

■ ما نباید از زمینه‌هایی که می‌تواند حال و هوای جامعه را عوض کند، غفلت کنیم. ما بشدت نیازمند تغییر فضا هستیم؛ پیامبراعظم(ص) زمانی که اختلافات و مناقشات در جامعه اسلامی پیش می‌آمد، یکی از راهکارهای جالب‌شان تغییر فضا و حال و هوای جامعه بود. به نظر من این مساله در کوتاه‌مدت جوابگوست

تغییر فضا و حال و هوای جامعه

گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام دکتر محمدحسین هاشمیان درباره تقویت سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی

شبکه ارتباطی با مردم ایجاد شود

گفت‌وگوی یک حرکت نمایشی نیست که من اشتباهات طرف مقابل را به او ثابت کنم، بلکه گفت‌وگو در سیره علوی یعنی من به عنوان حکومت نیازمند وعظ و راهکار و راهنمایی توهستم

کاسب و پزشک ارتباط بگیریم، دقیقاً کاری که دشمن روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند. من متأسفانه اینجا اعتراض خودم را به برخی نهادها اعلام می‌کنم که باید در این فضاها بروند، چرا که شبکه‌های گسترده‌ای در کل کشور دارند؛ هم فضای تبلیغی است که روحانیت بیاید و هم گروه‌های مرجع دیگری که می‌توانند در این فضا بروند. من فکر می‌کنم در این قصه ما باید به طور جد میدان‌داری کنیم اما در فضای بازنمایی رسانه از عمد روی این قصه کار می‌شود که فلائی به مدرسه رفت و او را بیرون کردند. اتفاقاً به نظر من این نشان می‌دهد ما خوب جای داریم می‌رویم که دشمن آنقدر سرمایه‌گذاری می‌کند که این ارتباطات را تضعیف کند و آدم‌ها از رفتن به دانشگاه‌ها و مدارس بترسند. در حالی که اثر خود را می‌گذارد و برخی هیجانات و احساسات همان جا تخلیه می‌شود. اگر هم تأثیر افغانی نداشته باشد که به نظر من دارد، حداقل این رفتن‌ها باعث تخلیه هیجانات می‌شود. ■ درباره مسأله گفت‌وگو سخن گفتید و نکته‌ای به ذهن من رسید؛ عده‌ای از همین دانشجویها پیشنهاد گفت‌وگو را زد می‌کنند، چون می‌گویند شما می‌خواهید حرف خودتان را به ما بقبولانید، حالا با زور نشد با گفت‌وگو، لذا ما گفت‌وگو نمی‌کنیم.

اصلاً منظورم از گفت‌وگو این نبود و به هیچ‌وجه هم نباید از گفت‌وگو چنین چیزی مدنظر ما باشد. گفت‌وگو یعنی شنیدن نقدها و اقدام عملی برای رفع آنها. گفت‌وگو در سیره علوی یعنی من نیازمند وعظ تو هستم. اینکه من با تو گفت‌وگو کنم که ثابت کنم تو اشتباه می‌کنی که گفت‌وگو نیست. منافقان پیامبر را نقد می‌کردند که ایشان اِنَّّ اسست، یعنی گوش است، چون پیامبر بسیار می‌شنیدند و این شنیدن در مقام‌های مختلف است. این شنیدن می‌تواند در مقام مشورت باشد، در مقام مشورت یعنی «و شاورْهُمْ فی الْأُمْرِ»؛ یعنی نه اینکه فقط حرف بزیم، حتی اگر حرف خلاف رأی من بود، حرف را بشنوم. در ماجرای جنگ احد پیامبر اکرم(ص) نظرشان این بود که در داخل شهر بجنگند، با اصحاب مشورت کردند و جمع رأی داد به اینکه بیرون بروند و پیامبر هم قبول کردند. پیامبر آمدند مهبای رزم شوند، اصحاب شپیمان شدند و گفتند ما نظر خودمان را به پیامبری تحمیل کردیم که به وحی وصل است، خدمت پیامبر آمدند و گفتند ای پیامبر خدا ببخشید، پیامبر گفتند نظر جمع بوده و من هم نمی‌خواهم نظر را بازگردانم و من هم با شما می‌آیم.

یعنی حتی اگر خلاف رأی پیامبر که عقل کل عالم هست، وقتی رأی دادند، حضرت پذیرفتند بنابراین گفت‌وگو یک نمایش نیست.

اگر اجازه بدهید من اینجا یک نکته‌ای را عرض کنم. ما در این مسائل اخیر بشدت از ظرفیت دین برای خروج از این موقعیت و مرحله‌ای که هستیم، غفلت کردیم و این یک غفلت بدی است. مدام روی بعد از آنریت، هویت ایرانی و ایران یکپارچه تأکید می‌کنیم. من فکر می‌کنم این مسأله مهم است ولی در پدیده‌ای که آغاز شد و به ظاهر دینی بود، حرفه‌ی ما، چرا که جامعه ایران، اعتقادات دینی بسیار مستحکمی دارد، ما نباید فریب بازی رسانه‌ای دشمن را بخوریم. اتفاقاً دین و آیین‌ها و مناسک دینی است که می‌تواند وحدت، یکپارچگی و انسجام اجتماعی ایران را احیا کند. الان متأسفانه دارد از این مسأله غفلت می‌شود و ما مرتب سراغ عناصر انسجام‌بخش ملی می‌رویم و از بعد عناصر دینی غفلت می‌کنیم.

■ **پیشنهاد شما به صورت مصداقی چیست؟ یعنی کدام یک از مناسک دینی را چگونه زمینه‌ساز پیوند اجتماعی کنیم؟**

ما ایام فاطمیه را در پیش داریم. به نظر من ایام یک ظرفیت بسیار مهمی است. ما به این فضاهای سکنای هم نگاه نمی‌کنیم. واقعا اعتقاد ما این است که عنایت امام زمان(عج) و اهل بیت(ع) بدون هیچ شک و شبهه‌ای بحران‌هایی را از سر این انقلاب و کشور دفع کرده که یکی از این‌ها کافی بود که نسخه ما پیچیده شود. بنابراین غیر از این نگاهی که قطعاً آن عنایت، یک برکتی دارد و توفیقاتی برای ما رقم می‌دند، غیر از آن ما می‌توانیم در تغییر فضا برنامه‌های بسیار جدی داشته باشیم. شعار معترضان «زن، زندگی، آزادی» است و حضرت زهرا(س) به عنوان الگوی زن مسلمان هستند. ما اصل این شعار را می‌پذیریم، هم زن، هم زندگی و هم آزادی اما بیاایم روی مدل‌ول‌های این شعار صحبت کنیم؟ وقتی شعار زن می‌دهیم دقیقاً یعنی چه؟ آزادی دقیقاً یعنی چه؟ ما روز زن را در پیش داریم، این یک ظرفیتی است که با قبول اصل این شعار، روی محتوای این شعار با معترضان به تفاهم نزدیک‌تری برسیم.

باید ظرفیت دین را بشدت جدی بگیریم. خیلی‌ها فکر می‌کنند الان از دین حرف زدن، بی‌فایده است و به ۴ تا خامی که به اسلام توهین می‌کنند نگاه می‌کنند و می‌گویند در این فضا حرف از دین اسلام و خدا و پیامبر زنید. اصلاً اینطور نیست. اتفاقاً دین در تار و پود جامعه رسوخ پیدا کرده است. اینکه برخی می‌گویند عامه‌پرانی نشان می‌دهد دین دیگر قابلیت انسجام‌بخشی ندارد، من به هیچ‌وجه این را قبول ندارم و می‌خواهم بگویم اتفاقاً این کارها بر ضد خودش تبدیل می‌شود، یعنی این کنش‌های توهین‌آمیز به روحانیت کاملاً به ضد خودش تبدیل می‌شود.

ما بشدت روی هویت ملی می‌ایستیم اما باید روی دین و هویت دینی جامعه ایران تأکید مضاعف شود.



فوری هستیم.

بله! ولی فراموش نکنیم راه‌حل فوری حتی اگر جواب دهد، بدون آن راه‌حل بلندمدت باز هم مقیم می‌ماند. اما برای کوتاه‌مدت هم راه‌حل‌هایی را می‌توان در نظر گرفت. ببینید! در کوتاه‌مدت، وقتی جامعه در چنین فضایی قرار می‌گیرد ما نیازمند شوک‌های اجتماعی هستیم، یعنی باید به جامعه شوک دهیم تا فضا و هوا عوض شود. دشمن پیش‌دستی کرده و در تلاش است ظرفیت‌هایی را که ما قبلاً می‌توانستیم با آن به جامعه شوک دهیم، بگیرد. ■ **مثلاً چه شوک‌هایی؟**

مثلاً شوک‌های قهرمانی‌های ورزشی. قهرمانی فوتبال ساحلی می‌توانست یک شوک شادی‌بخش به جامعه باشد ولی دشمن این شوک را از ما گرفت. یا با جریان‌سازی‌ها کاری کردند که بسکتبالیست‌های ما سرود ملی را نتوانند. واقعا ما باید روی خواندن سرود ملی عرق داشته باشیم. الان هم یکسره روی مسأله جام‌جهانی در حال کار کردن هستند.

مسأله دیگر این است که ما هم باید در جنگ ترکیبی، ترکیبی عمل کنیم، ما‌ما باید بازنمایی واقعیت‌هایمان با ضریب بالا باشند. این بازنمایی بسیار مهم است. یک تئوری است که می‌گوید موفقیت‌ها یا شادی‌های کوچک می‌تواند کم‌کم شادی‌های بزرگ و موفقیت‌های بزرگ را رقم بزند. این پدیده مهمی است. بویژه الان که در عصر رسانه هستیم. ما نباید از زمینه‌هایی که می‌تواند حال و هوای جامعه را عوض کند، غفلت کنیم. ما بشدت نیازمند تغییر فضا هستیم.

من یک مقاله‌ای دارم در رابطه با مدیریت تعارض در سیره پیامبر(ص) درباره اینکه مثلاً زمانی که اختلافاتی میان مهاجران و انصار شکل می‌گرفت یا اوس و خزرج با هم درگیر می‌شدند، پیامبر(ص) زمانی که این اختلافات و مناقشات در جامعه اسلامی پیش می‌آمد، راهکارهایی را طبقه‌بندی می‌کردند. یکی از راهکارهای جالب پیامبر(ص) تغییر فضا و حال و هوای جامعه بود.

به نظر من این مساله در کوتاه‌مدت جوابگو است، هر چند الان دشمن می‌داند که این ابزار مهمی برای ما است و دنبال این است که ما را از این جهت هم خلع سلاح کند ولی باید روی این بایستیم. علاوه بر این، جامعه ما بشدت نیازمند گفت‌وگو و ارتباط‌گیری است؛ کاری که دشمن هم دارد می‌کند. پایه و نقطه اصلی‌ای که سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد، ارتباطات است، یعنی هر چقدر نهادها و گروه‌ها یا کانال‌های ارتباطی با افراد، گروه‌ها، اصناف و اقشار توسعه پیدا کند، به همان اندازه نسبت به رقیب سرمایه اجتماعی شما بالا می‌رود.

چون دشمن ادعای این را دارد که ما در موضع ضعف هستیم؟ چون می‌گوید من نهادها و کانال‌های ارتباط بیشتری با دانشجویان و دانش‌آموزان دارم. فکر می‌کنم که ما باید این را تقویت کنیم و نباید از این فضای بازنمایی پرترسیم. این ادبیات خوبی است که مسؤولان ما دارند. مثلاً سردار سلامی یا سرلشکر موسوی می‌گویند پاره‌های تن ما، این ادبیات بسیار مهم است. این منطقی قرآن است و درباره پیامبر(ص) می‌فرماید: «فَیَما حَرمَهِ مِنْ اللَّهِ لَنُتَّ لَهُمْ». این اخلاق نیکو و مهربانی باعث شد مردم جذب شوند، بویژه قشر نوجوان و جوان. این قشر بشدت تحت تأثیر احساسات، عواطف و هیجانات است، بنابراین پیش از اینکه با منطق و عقل بخواهد با ما همراهی کند، با احساس و عاطفه و گفت‌وگو و ارتباط‌گیری می‌توانیم به این فضا وارد شویم. البته این مسأله بدین معنا نیست که در همه جا به سمت یک سبک برویم ولی این بحث توسعه شبکه ارتباطی به نظر من بسیار مهم است. ارتباط ما با اقشار و صنوف مختلف می‌تواند برگ برنده باشد.

باید با دانش آموز، دانشجو، کارگر، معلم، طلبه، بازاری، اما من این‌نکته را بگویم که به نظر من راه‌حل کوتاه‌مدتی وجود ندارد، چون اساساً خود این معضل یک شبهه به وجود نیامده است. کلید حل این اعتراضات در مسأله «کارآمدی» است. تمام هم و غم مسؤولان باید حرکت به سمت کارآمدی باشد، اگر نتایج تلاش‌های مسؤولان، به صورت ملموس برای مردم قابل حس باشد، زهر این جریانات فروکش می‌کند و جامعه به سمت نشاط می‌رود و وقایع تلخ را به فراموشی می‌سپارد.

اولاً من این‌نکته را بگویم که به نظر من این جریان یک نعمت است، اگر هوشمندانه رفتار کنیم. ما سال‌هاست که سخن از یکسری اصلاحات فوری در ساختارها و سیاست‌ها می‌زنیم، متأسفانه کسی گوشش بدهکار نبود، ما سال‌هاست از مشکلات بزرگ در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سخن می‌گوییم، این جریان به وضوح این مسائل را آشکار کرد و قدرتمندی برای تسریع در اصلاح روندهای معیوب باشد. البته این جریان را منتهای بحث امنیتی آن عرض می‌کنم، بعد اجتماعی آن مدنظر من است.

این پتانسیل آزاد شده، الزاماً یک پتانسیل منفی نیست و باید این را به عنوان فرصت دید. اگر ما از این پتانسیل اجتماعی بتوانیم استفاده کنیم -اتفاقاً یکسری از تحولات جدی که در این سال‌ها مرتب رهبری به دولت‌های مختلف تأکید کرده و دولت‌ها انجام ندادند- می‌توانیم از این ظرفیت استفاده کنیم و تحولات را رقم بزنیم. سال‌هاست که حضرت آقا در اقتصاد تأکید بر اقتصاد مقاومتی می‌کنند. این اقتصاد مقاومتی فقط شعار نیست، دلالت‌هایی در حوزه نظام‌های مالیاتی شما دارد، نظام مالیاتی دستش در جیب مردم و کارمند است و هیچ وقت از دلال و سرمایه‌دار نمی‌گیرد. شما می‌توانید در این فضا این اتفاقات را رقم بزنید. نظام بانکی شما همین‌طور، یعنی یک سری اقدامات موثری که باعث شده ارت‌هایی ایجاد و به شکاف طبقاتی دامن زده شود. این پتانسیل بسیار مهم است. سال‌ها الگوی توسعه نئولیبرال که دولت‌های مختلف پیاده کردند، باعث چنین فضایی شده که آسیب‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی ایجاد شود. خیلی هم جالب است که همین‌ها نامه می‌نویسند که جمهوری اسلامی رفتار خود را عوض کن؛ خود اینها یا مسؤول بودند یا تئوریسین پشت پرده سیستم اقتصاد توسعه ما بودند و این هم یکی از عجایب روزگار است. مثلاً آقای مسعود نیلی نامه می‌نویسد.

همین الان بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت باز همان خط و ربط سیاست‌های اقتصادی است که جریان نئولیبرال پیگیری می‌کند.

من فکر می‌کنم با این پتانسیل و انرژی آزاد شده، می‌توانیم سیاست‌های بازی را به هم بزنیم و ساختار بازی توسعه ما بودند و این هم یکی از عجایب روزگار است.

در برخی از این اصلاحات وقتی می‌خواهیم در عمل پیاده کنیم، اقتصاد سیاسی و جریان لیبرالیستی که در سیستم‌های ما نفوذ دارد، اجازه نمی‌دهد که پیش برود. شرایط اجتماعی امروز، فشاری است که مانند سیلاب است و ما به هر حال نتوانستیم ولی یک بخشی را اگر بتوانیم مهار کنیم، می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم. یکی از چرخش‌های مهمی که باید در عرصه فرهنگ بکنیم مسأله کاربرمحور شدن است. در توضیح این کلیدواژه باید بگویم در عرصه نوبن فرهنگی، ما از مخاطب‌محور بودن گذر کرده‌ایم و به کاربرمحور شدن رسیده‌ایم؛ مخاطب منفعل است و شما برای او خوراک تهیه می‌کنی اما امروزه مخاطب فعال است، خود او در محتوا مشارکت دارد، ما نباید مخاطب را یک مخاطب منفعل بدانیم و فقط برای او تولید محتوا کنیم. تولیدات فرهنگی باید به سمت مخاطب فعال یا اصطلاحاً همان مخاطب‌محور شدن حرکت کنند.

اما درباره سوال شما، به نظر من راه‌حل کوتاه‌مدتی وجود ندارد، چون اساساً خود این معضل یک شبهه به وجود نیامده است. کلید حل این اعتراضات در مسأله «کارآمدی» است. تمام هم و غم مسؤولان باید حرکت به سمت کارآمدی باشد، اگر نتایج تلاش‌های مسؤولان، به صورت ملموس برای مردم قابل حس باشد، زهر این جریانات فروکش می‌کند و جامعه به سمت نشاط می‌رود و وقایع تلخ را به فراموشی می‌سپارد.

■ **آقای دکتر!** ولی برخی معتقدند ما نیازمند راه‌حل‌های اجتماعی خود را داشته است. به نظر می‌رسد هویت ایرانی – اسلامی یک عنوان کلی است برای یک طیف وسیع اما ما یک الگوی معیار را انتخاب کرده‌ایم و قصد انتقال آن را داریم، طبیعی است حتی اگر به بهترین شکل این کار را بکنیم باز هم شکست می‌خوریم، چون نمی‌شود همه انسان‌ها را به یک شکل در آورد؟

دقیقاً درست است، من با حرف شما موافقم. خداوند که خود خالق این جهان است، خلقت را بر پایه تنوع قرار داده است در صورتی که می‌توانست همه را یکدست بیافریند. اِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَّ اُنْثٰی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوبًا وَّ قِبَلٰی لِنَعْرِفَها؛ تا بین اینها تعارف و آشنایی رقم بخورد. یعنی این تمایز هدفمند بود. بنابراین یکدست ندیدن جامعه مبانی دینی محکمی دارد و ما نیازمند یک تنوع فرهنگی و تنوع سیاست در عرصه فرهنگ هستیم و هر چه از این دور شویم، آسیب می‌بینیم.

این هم در سطح تنوع در ارزش‌ها و اعتقادات نیست، بلکه در سطح تنوع در لایه آشکار فرهنگ است یعنی همان لایه سبک زندگی می‌شود. در لایه سبک زندگی قدری از تنوع را که در روایات ما تعبیر آداب برای آن به کار رفته است باید در نظر بگیریم. امیرالمومنین می‌فرماید فرزندان خود را به آداب زمان خودشان تربیت کنید چون آنها برای زمان غیرزمان شما خلق شدند. یعنی متغیر زمان و اقتضائاتی که پیش می‌آید و این سطح از آداب و رفتار را باید بپذیرید. این حدیث یک مصوم است و ما این تنوع و انعطاف را نداشتیم.

من معتقدم همان الگوی مطلوبی که بوده را هم خوب معرفی نکردیم. ولی به نظر می‌رسد که باید یک چارچوب ثابتی داشته باشیم و یک جاهایی انعطاف‌ها را بپذیریم و بگویم که در این سبک از پوشش، اوقات فراغت و در حوزه‌های مختلف، سطحی از انعطاف را بپذیریم. منتها این پذیرش به معنای انفعال نیست، اتفاقاً ما می‌توانیم یک پذیرش فعال داشته باشیم. ما یک نظریه‌ای داریم که ریچارد تیلر به خاطر این نظریه جایزه نوبل اقتصاد را گرفت، تحت عنوان نظریه معماری انتخاب، کتابی هم به نام «سئلقلمه» دارد که به فارسی هم ترجمه شده است. ریچارد تیلر می‌گوید شما در فضای سیاست‌گذاری نباید انتخاب‌های افراد را محدود کنید، یعنی باید تنوع گزینه را داشته باشید منتها طوری گزینه‌ها را کنار هم بچینید که طرف آن گزینه‌ای را که مطلوب و بهنجار است خودش انتخاب کند. در مثالی که می‌زنم می‌گوید شما فرض کنید قرار است میزی را که انواع و اقسام غذاها، دسر‌ها و سالادها در آن هست بچینید، منتها می‌خواهید برای افرادی بچینید که مثلاً بیماری دیابت دارند، شما در چیدن آن غذاها طوری رفتار کنید که وقتی فرد به رستوران وارد می‌شود و ظرف غذا را برمی‌دارد آن غذاهایی که برای سلامت این فرد مضر نیست را ابتدا انتخاب کند. اینکه شما چگونه اینها را ترتیب دادید، مهم است. ما نباید به دنبال حذف سبک زندگی‌ها باشیم که عملاً نشدنی است، منتها باید ترتیب آنها به گونه‌ای باشد که نوجوان ما خودبه‌خود سبک زندگی نزدیک‌تر به ارزش‌های اسلامی را انتخاب کند اما ما این کار را نکردیم. شما با حذف نمی‌توانید راه پیش ببرید، منتها با ترتیب دادن که چگونه بتوانید به لحاظ اقتصادی و متغیرهای رسانه‌ای آن را به‌صرفه کنید یا گزینه خود را جذاب کنید، باید انتخاب آن نوجوان، جوان، دانشجو یا دانش‌آموز را معماری کنید.

■ **آقای دکتر!** از بخش آسیب‌شناسی که بگذریم به هر حال ما الان کف خیابان درگیریم. یعنی کشور با یک مسأله‌ای مواجه است. رهبر معظم انقلاب هم فرمودند این بچه‌هایی که به خیابان می‌آیند، بچه‌های خود ما هستند. منتها ارتباط ما با این بچه‌ها قطع شده، الان راهکار شما برای خروج از این وضعیت چیست؟

اجتماعی خود را داشته است. به نظر می‌رسد هویت ایرانی – اسلامی یک عنوان کلی است برای یک طیف وسیع اما ما یک الگوی معیار را انتخاب کرده‌ایم و قصد انتقال آن را داریم، طبیعی است حتی اگر به بهترین شکل این کار را بکنیم باز هم شکست می‌خوریم، چون نمی‌شود همه انسان‌ها را به یک شکل در آورد؟

دقیقاً درست است، من با حرف شما موافقم. خداوند که خود خالق این جهان است، خلقت را بر پایه تنوع قرار داده است در صورتی که می‌توانست همه را یکدست بیافریند. اِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَّ اُنْثٰی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوبًا وَّ قِبَلٰی لِنَعْرِفَها؛ تا بین اینها تعارف و آشنایی رقم بخورد. یعنی این تمایز هدفمند بود. بنابراین یکدست ندیدن جامعه مبانی دینی محکمی دارد و ما نیازمند یک تنوع فرهنگی و تنوع سیاست در عرصه فرهنگ هستیم و هر چه از این دور شویم، آسیب می‌بینیم.

این هم در سطح تنوع در ارزش‌ها و اعتقادات نیست، بلکه در سطح تنوع در لایه آشکار فرهنگ است یعنی همان لایه سبک زندگی می‌شود. در لایه سبک زندگی قدری از تنوع را که در روایات ما تعبیر آداب برای آن به کار رفته است باید در نظر بگیریم.

امیرالمومنین می‌فرماید فرزندان خود را به آداب زمان خودشان تربیت کنید چون آنها برای زمان غیرزمان شما خلق شدند. یعنی متغیر زمان و اقتضائاتی که پیش می‌آید و این سطح از آداب و رفتار را باید بپذیرید. این حدیث یک مصوم است و ما این تنوع و انعطاف را نداشتیم.

من معتقدم همان الگوی مطلوبی که بوده را هم خوب معرفی نکردیم. ولی به نظر می‌رسد که باید یک چارچوب ثابتی داشته باشیم و یک جاهایی انعطاف‌ها را بپذیریم و بگویم که در این سبک از پوشش، اوقات فراغت و در حوزه‌های مختلف، سطحی از انعطاف را بپذیریم. منتها این پذیرش به معنای انفعال نیست، اتفاقاً ما می‌توانیم یک پذیرش فعال داشته باشیم. ما یک نظریه‌ای داریم که ریچارد تیلر به خاطر این نظریه جایزه نوبل اقتصاد را گرفت، تحت عنوان نظریه معماری انتخاب، کتابی هم به نام «سئلقلمه» دارد که به فارسی هم ترجمه شده است. ریچارد تیلر می‌گوید شما در فضای سیاست‌گذاری نباید انتخاب‌های افراد را محدود کنید، یعنی باید تنوع گزینه را داشته باشید منتها طوری گزینه‌ها را کنار هم بچینید که طرف آن گزینه‌ای را که مطلوب و بهنجار است خودش انتخاب کند. در مثالی که می‌زنم می‌گوید شما فرض کنید قرار است میزی را که انواع و اقسام غذاها، دسر‌ها و سالادها در آن هست بچینید، منتها می‌خواهید برای افرادی بچینید که مثلاً بیماری دیابت دارند، شما در چیدن آن غذاها طوری رفتار کنید که وقتی فرد به رستوران وارد می‌شود و ظرف غذا را برمی‌دارد آن غذاهایی که برای سلامت این فرد مضر نیست را ابتدا انتخاب کند. اینکه شما چگونه اینها را ترتیب دادید، مهم است. ما نباید به دنبال حذف سبک زندگی‌ها باشیم که عملاً نشدنی است، منتها باید ترتیب آنها به گونه‌ای باشد که نوجوان ما خودبه‌خود سبک زندگی نزدیک‌تر به ارزش‌های اسلامی را انتخاب کند اما ما این کار را نکردیم. شما با حذف نمی‌توانید راه پیش ببرید، منتها با ترتیب دادن که چگونه بتوانید به لحاظ اقتصادی و متغیرهای رسانه‌ای آن را به‌صرفه کنید یا گزینه خود را جذاب کنید، باید انتخاب آن نوجوان، جوان، دانشجو یا دانش‌آموز را معماری کنید.

■ **آقای دکتر!** از بخش آسیب‌شناسی که بگذریم به هر حال ما الان کف خیابان درگیریم. یعنی کشور با یک مسأله‌ای مواجه است. رهبر معظم انقلاب هم فرمودند این بچه‌هایی که به خیابان می‌آیند، بچه‌های خود ما هستند. منتها ارتباط ما با این بچه‌ها قطع شده، الان راهکار شما برای خروج از این وضعیت چیست؟

۲ ماه است ایران اسلامی درگیر التهابات و اعتراضات در شهرهای مختلف است. اگر از نقش دشمن و جنگ رسانه‌ای و شناختی‌اش در دامن زدن به اعتراضات و ایجاد آشوب‌ها و اغتشاشات صرف نظر کنیم باید یک بررسی جدی در علل و عوامل اصلی اعتراض و خشم اجتماعی موجود در جامعه امروز ایران اتفاق بیفتد. موشکافی این عوامل می‌تواند کشور را به راه‌حل‌های نجات‌بخشی رهنمون شود که مسیر رشد و پیشرفت مادی و معنوی کشور را هموار و تسهیل کند. به همین منظور با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان، عضو هیات علمی پژوهشکده باقرالعلوم(ع) گفت‌وگو کردیم.

■ **آقای دکتر هاشمیان!** التهابات اخیر کشور صرف‌نظر از نگاه امنیتی، نیازمند تحلیل‌های جامعه‌شناختی است. به نظر می‌رسد حداقل در بخشی از اقشار جامعه ایرانی، حجم خطرناکی از خشم انباشته شده، به نظر شما علت این امر چیست؟

من فکر می‌کنم برای پاسخ به سوال شما باید ۲ ساحت را از هم جدا کنیم؛ ساحت واقعیت و ساحت واقعیت‌نمایی. آنچه از واقعیت میدان در التهابات اخیر نمایانده می‌شود فاصله زیادی تا اصل واقعیت دارد. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد اقلیت بسیار کمی با این خشم و اغتشاش همراهی دارند اما بخش بزرگ‌تری ضمن اینکه از وضع موجود رضایت ندارند اما با اغتشاش هم همراهی ندارند. علل متفاوتی دارد، یکی از آنها مسأله اقتصادی است. به هر حال مردم به دولت امید بسته بودند و این دولت وعده‌های مهمی در زمینه بورس و مسکن به مردم داده بود اما به هر دلیلی موفق به تحقق بخشی از این وعده‌ها نشد و از طرفی نتوانست با مردم هم گفت‌وگو و آنها را اقناع کند؛ یک زمانی شما تلاش‌تان را می‌کنید اما نمی‌توانید بسه وهدتان عمل کنید، خب می‌روید گفت‌وگو می‌کنید و مردم را اقناع می‌کنید که به چه دلالی نتوانستید. متأسفانه دولت حتی نتوانست مردم را اقناع کند و همین یکی از علت‌های مهم دامنه‌دار شدن اعتراضات است.

علت دیگر این اعتراضات بی‌توجهی ما به امر جنسی است. ما سال‌هاست در این باره فکر و چاره‌اندیشی نکرده‌ایم. بر امر جنسی پوشیده‌ایم و از آن حرف نزدیم. مشکلات اقتصادی منجر به عدم تشکیل خانواده می‌شود، گره خوردن این ۲ مسأله به هم طبقه‌ای را ایجاد می‌کند به نام نیت (Neet) یعنی طبقه‌ای فاقد تحولات مناسب، شغل مناسب و پایگاه اجتماعی مناسب. این طبقه مستعد ایجاد بحران‌های اجتماعی به‌هم‌ریختن نظم اجتماعی است، چون اساساً چیزی برای از دست دادن ندارد؛ شغل دارد که به خاطر از دست دادن آن بترسد؟ خانواده تشکیل داده که بترسد؟ آینده روشنی برای خود متصور است که بخواهد بترسد؟ پس چیزی برای از دست دادن ندارد به همین خاطر یک بصب متحرک است که هر لحظه ممکن است منفجر شود. حال به همه این مشکلات مسأله جنسی را هم اضافه کنید. جنبه‌های سکسوالیته جنسی اخیر جدی است. مثلاً همین خانم نازنین بنیادی یک هویت سکسوالیته دارد، این نشان می‌دهد که امر جنسی در جامعه درست مدیریت نشده و اساساً به آن فکر نشده است تا بخواهد برای مدیریتش کاری انجام شود.

■ **آقای دکتر!** در این اعتراضات نوجوانان و جوانانی را می‌بینیم که گویا دعوای اصلی آنها، اختلاف بر سبک زندگی است. به عبارتی، رقابت سبک زندگی‌ها تبدیل به جدال سبک زندگی‌ها در کف خیابان شده، به نظر شما ریشه این تضاد سخت از کجا آمده است؟

ببینید ما در دنیا نهادهایی را داریم که وظیفه آنها جامعه‌پذیر کردن نسل جدید هر جامعه‌ای است. این نهادها موظفند هویت یک جامعه را به نسل‌های بعدی منتقل کنند، مثل آموزش‌وپرورش. متأسفانه نهادهای ما که مکلف به جامعه‌پذیر کردن نوجوانان هستند، نتوانستند وظیفه خود را به‌درستی انجام بدهند. البته این را موکداً بگویم مسأله کرونا یکی از علل تشدید این امر و حتی از ریشه‌های اغتشاشات اخیر است.

■ **چگونه؟**

کرونا باعث شد مدارس از حالت حضوری به مجازی تغییر کند. ما فرزندان‌مان را با دست خودمان به سمت زیست مجازی بردیم. وقتی دانش‌آموز را وارد زیست مجازی می‌کنی پس هویت‌بخشی فضای مجازی بر او را چند ده برابر کرده‌ای، همین زیست مجازی دانش‌آموزان اثر خود را در التهابات اخیر نشان می‌دهد.

به همر ترتیب من معتقدم نهاد‌های فرهنگی ما که وظیفه انتقال هویت ایرانی – اسلامی به نسل‌های جدید را دارند، نتوانستند این کار را به‌درستی انجام بدهند.

■ **فکر نمی‌کنید این تحلیل، تقلیل بحث به کم‌کاری نهادهاست؟ به نظر می‌رسد مسأله فراتر از این موضوع باشد.** شما می‌گویید نهاد‌های فرهنگی نتوانستند هویت ایرانی – اسلامی را به‌درستی منتقل کنند، سؤال اینجاست که هویت ایرانی -اسلامی دقیقاً یعنی چه؟ مثلاً ما در تاریخ، صوفیان را داریم با یک زیست صوفیانه که خانقاه و مجلس ذکر و دف داشتند و خود را هم شامل زیست ایرانی – اسلامی می‌دانستند، از آن طرف یک زیست قبیله‌انه در تاریخ داشته‌ایم که همیشه بدنه